

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ بهمن ۱۴۰۱
مصادف با: ۲۳ رجب ۱۴۴۴
جلسه: ۲۸

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۹- مفردات آیه: ۵. «یسومونکم» - بررسی احتمالات چهارگانه -
۶. «یستحیون» - ۷. «بلاء»

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مفردات آیه ۴۹ سوره بقره بود؛ تا اینجا چند واژه توضیح داده شد، و اِذْ، نَجِینَاکُمْ، آل، فرعون، یسومونکم. در مورد یسومونکم چهار احتمال ذکر کردیم؛ احتمال اول اینکه یسومونکم از ماده سَوَمَ به معنای قرار دادن چیزی در معرض چیز دیگر است؛ بر این اساس گفتیم معنای آیه این می شود که آل فرعون یجعلون بنی اسرائیل فی معرض سوء العذاب یا به تعبیر دقیق تر یجعلون سوء العذاب فی معرض بنی اسرائیل. احتمال دوم این بود که به معنای تکلیف و تحمیل باشد، یعنی آل فرعون سوء العذاب را بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند. احتمال سوم اینکه به معنای طلب باشد، یعنی یطلبونکم علی سوء العذاب یا یریدونکم علی سوء العذاب. احتمال چهارم که مردود واقع شد، این بود که بگوییم «یسومونکم سوء العذاب» یعنی یعذبونکم سوء العذاب.

بررسی احتمالات چهارگانه

احتمال چهارم را عرض کردیم مردود است و قابل قبول نیست؛ اما سه احتمال دیگر با اینکه هر سه محتمل است، اما در عین حال شاید در بین این سه احتمال، احتمال اول احتمالی باشد که نسبت به دو احتمال دیگر دقیق تر و بهتر باشد. چون ماده سَوَمَ چنین معنایی را دارد (در معرض قرار دادن)؛ در معامله هم که گفته می شود سام البائع السعلة سوماً، یعنی بایع کالای خودش را در معرض خریدن دیگران قرار داد. با توجه به ماده و استعمالات آن و سیاق آیه که آل فرعون اقسام مشکلات را برای بنی اسرائیل ایجاد می کردند، که در خود آیه به بعضی از اینها اشاره می کند، طبیعتاً وقتی این کارها را با بنی اسرائیل می کردند آنها را در معرض سوء العذاب قرار می دادند؛ در معرض سوء العذاب قرار دادن یعنی دائماً عذاب یا به تعبیر دقیق تر سوء عذاب و اضطراب و وحشت و ناراحتی در مرئی و منظر اینها بود. یک عذاب مستمر پیوسته که موجب اضطراب و ناامنی روحی و وحشت دائمی آنها شده باشد؛ این شاید از سایر معانی دقیق تر و لطیف تر باشد، هر چند احتمال دوم و سوم هم نادرست نیست.

۶. «یستحیون»

آیه این بود: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» معنای «یذبحون ابناءکم» معلوم است. اینجا یستحیون نیاز به توضیح دارد که به چه معناست. در مورد ماده یستحیون یعنی استحياء، سه

نظر وجود دارد:

۱. مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید استحياء به معنای از بین بردن حیا است؛ از ماده حیا ولی به معنای از بین بردن حیا. یعنی کارهایی که موجب از بین رفتن شرم و حیا می‌شود.^۱

۲. احتمال دوم که مرحوم طبرسی در مجمع البیان اختیار کرده، این است که استحياء از ماده حیات و به معنای زنده نگه داشتن است، یعنی طلب زنده بودن. ایشان به این سخن پیامبر(ص) هم استناد کرده که پیامبر(ص) فرمود «اقتلوا شیوخ المشرکین و استحيوا شرهم»، شیوخ مشرکین با بکشید اما جوانان آنها را زنده نگه دارید؛ در اینجا استحيوا به معنای زنده نگه داشتن است.^۲

۳. نظر سوم که مرحوم طبری در جامع البیان آن را نقل و البته به آن اشکال کرده این است که استحياء به معنای استترقاق است. «یستحيون نساءکم» یعنی زنان شما را به بندگی و اسارت می‌گرفتند.^۳

گرچه معنای سوم مورد اشکال ناقل هم قرار گرفته اما به هر حال نظری است که بیان شده است.

واقع این است که در بین این سه نظر و سه احتمال آنچه با معنای استحياء سازگارتر است، نظر دوم است. استحياء به معنای استترقاق که واقعاً خلاف ظاهر این آیه است و ما قرینه‌ای نداریم که اینجا استحياء را به آن معنا بگیریم. نظر اول که مرحوم علامه اختیار کرده‌اند، یعنی اینکه استحياء از حیا به معنای از بین بردن حیا و شرم باشد، این هم قابل قبول نیست؛ چون شرم و حیا وقتی به باب استفعال برود به معنای زوال شرم و حیا نمی‌شود. استحياء اگر از ماده حیا به معنای شرم باشد، باید طلب شرم و حیا شود، نه اینکه به معنای از بین بردن شرم و حیا باشد. به عبارت دیگر «یستحيون نساءکم» باید معنایش این باشد که آنها شرم می‌کردند زنان شما را، نه اینکه شرم را از بین می‌بردند و حیا را زائل می‌کردند؛ این با ظاهر عبارت سازگار نیست. لذا نظر دوم صحیح است؛ یعنی اینکه ما این را به معنای حیات بگیریم. استحياء از ریشه حیات به معنای زنده گذاشتن و این قرینه مهمی دارد در خود آیه. وقتی می‌گوید «یذبحون ابناءکم» یعنی پسران شما را می‌کشتند یا مردان شما را می‌کشتند و «یستحيون نساءکم» زنان شما را زنده نگه می‌داشتند. این به قرینه تقابل با یذبحون به نظر می‌رسد اولی است.

البته جای یک سؤال هست که چرا به جای یحیون نساءکم، گفته «یستحيون نساءکم»، اگر قرینه مقابله با یذبحون را در نظر بگیریم، اینجا باید می‌گفت یحیون نساءکم؛ یعنی آیه اینطور می‌شد: یذبحون ابناءکم و یحیون نساءکم، ابناء شما را به قتل می‌رساندند و زنان شما را زنده نگه می‌داشتند. چرا این در باب استفعال رفته است؟ این البته از ناحیه برخی ممکن است به عنوان یک مبعده برای این احتمال قلمداد شود. اگر به معنای زنده نگاه داشتن بود، باید می‌گفت یحیون، چرا

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۳. جامع البیان، ج ۱، ص ۳۱۶.

می‌گوید یستحیون؟ این شاید از این باب است که بگوید احیاء دست خداست؛ آنها به دنبال این بودند که زنان شما را زنده نگه دارند، می‌خواسته این حفظ شود؛ اینطور نبود که نگه داشتن زنان بدست آل فرعون باشد؛ زنده بودن، حیات، به اراده الهی است و لاغیر. لذا اینها استحیاء می‌کردند، یعنی دنبال این بودند که زنان را زنده نگه دارند. پس علت اینکه به صیغه استفعال برده این است که حقیقتاً زنده نگه داشتن تحت قدرت آل فرعون نبوده، یعنی آنها دلشان می‌خواست یا بنایشان بر این بود یا به دنبال این بودند که زنان را زنده نگه دارند. جالب است که در ناحیه ابناء هم می‌فرماید «یذبحون» ذبح می‌کردند؛ نمی‌گوید یمیتون، نمی‌گوید آنها می‌میراندند، می‌گوید یذبحون. پس این اشکال نسبت به احتمال اول قابل دفع است.

۷. «بلاء»

واژه آخری که در این بخش باقی مانده، کلمه «بلاء» است. بلاء را به دو نحو می‌توان در نظر گرفت: یکی ناقص واوی و دیگری ناقص یائی؛ این دو معنایش فرق می‌کند. اگر ناقص واوی باشد، به معنای امتحان و اختبار است؛ بلاء از ریشه «ب ل و» به معنای امتحان است؛ این در آیات قرآن زیاد به کار رفته است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ»، یعنی ما شما را مورد آزمون قرار می‌دهیم و امتحان می‌کنیم. «وَنَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً». اما ناقص یائی به معنای غیر کهنه، غیر فرسوده، غیر زائل شدنی است. آیه «هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى»، شیطان به حضرت آدم می‌گوید می‌خواهی من تو را به درخت جاودانگی راهنمایی کنم و ملک و سلطنتی که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود، فرسوده نمی‌شود، زائل نمی‌شود و از بین نمی‌رود. این معنا با مسأله امتحان و اختبار فرق می‌کند. اینجا بلاء به معنای اول است، «وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ»، یعنی در این کاری که ما کردیم، برای شما آزمون و اختباری است از ناحیه پروردگار شما و این یک بلاء عظیم است، یک آزمون بزرگ است. نکته‌ای اینجا هست که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد. تقریباً بحث مفردات آیه تمام شده و بعد باید برویم سراغ بخش‌های مختلفی که در این آیه وجود دارد.

«والحمد لله رب العالمين»